

خلاصه تحقیق «قشر بندی اجتماعی ورزشکاران و مربیان تیمهای ملی»

محقق: دکتر رحمتا... صدیق سروستانی

تلخیص از: بهرام پازوکی

مقدمه

نهادهای اجتماعی مجموعه‌ای منسجم از ارزشها، عقاید و هنجارهای اجتماعی هستند که هر کدام از آنها شیوه زندگی جمعیت‌های مختلف یک یا چند جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ورزش نیز مثل خانواده، تعلیم و تربیت و اقتصاد از نهادهای عمده و مؤثر اجتماعی است. در دنیای امروز کمتر کسی است که مستقیم یا غیرمستقیم به نحوی با ورزش مرتبط و از آن متأثر نباشد. برخی مستقیماً در آن مشارکت دارند. طیف وسیعتری به عنوان تماشاگر و یا دوستدار ورزش حضوراً و

۱. اجرای این طرح توسط شورای عالی پژوهشی کمیته ملی المپیک در سال ۱۳۷۲ به تصویب رسیده است و نسخه اصلی آن در کتابخانه کمیته ملی المپیک موجود است.

یا از طریق رسانه‌ها آن را دنبال می‌کنند. و گروه عظیمی نیز به عنوان کارکنان و دست‌اندرکاران سازمانهای ورزشی یا تولید و توزیع‌کنندگان ابزار و لوازم ورزشی از محل آن ارتزاق می‌نمایند. رویدادهای ورزشی کوچک و بزرگ از پربیننده‌ترین و پرشنونده‌ترین برنامه‌های رادیو و تلویزیونی سراسر دنیا است شاید هیچ واقعه‌ای به اندازه مسابقات المپیک یا جهانی نتواند تا این حد مردم کره زمین را به خود جلب کند و به سوی خود بکشد.

چنین تعامل وسیع و فراگیری بین مردم و ورزش، محققین علوم اجتماعی را وادار به مطالعه زوایای مختلف ورزش و ابعاد متنوع تعامل آن با مردم می‌کند. جامعه‌شناسی ورزش، علم جدید و نوپایی است که به مطالعه و توصیف و تبیین تأثیر و تأثر بین جامعه انسانی و ورزش می‌پردازد، و سطوح و زوایای مختلف آن را مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد و برنامه‌ریزان، مدیران و مجریان از نتایج این بررسیها جهت اصلاح اوضاع اجتماعی و رشد و توسعه ورزش و سلامت و شادابی افراد جامعه بهره می‌گیرند. امروزه ثابت شده که علت موفقیت و یا شکست یک ورزشکار در میادین ورزشی تنها به خصوصیات فیزیولوژیکی او مربوط نمی‌شود. بلکه شناخت عوامل روانشناختی و جامعه‌شناختی نیز (هرچند به صورت نهانی) در موفقیت و یا عدم موفقیت او تأثیر به‌سزائی دارد.

ورزش کشور ما با وجود داشتن منابع انسانی سرشار و امکانات نسبتاً مکفی پیشرفت شایانی در سطح جهان و آسیا نداشته است و متأسفانه در بعضی از رشته‌های مطرح در گذشته نیز از همتهای خود حتی در سطح آسیا هم عقب مانده است. امروزه وقتی دو ورزشکار روبروی هم قرار می‌گیرند دیگر توانمندی و استعداد فیزیکی آنها نیست که به زورآزمائی می‌پردازد بلکه صحنه، صحنه رقابت بین دو نظام آموزشی، دو نظام مدیریتی و برنامه‌ریزی و دو نظام تحقیق و توسعه ورزش است.

امروزه بدون تدارک تجهیزات لازم برای ایجاد چنین سیستمی ورزش هیچ کشوری امکان دستیابی به موفقیت مستمر را ندارد و اگر هم استعدادی بدرخشد

کاملاً به صورت تصادفی بوده و مسلماً افول سریعتری را در پی خواهد داشت.
در صورتی دستگاه ورزش ما می تواند در عرصه رقابتهای بین المللی بدرخشد
که دانشی همسنگ رقباى خود و توانی هم وزن آنها داشته باشد. شرایط اجتماعی
و روانی ورزشکاران و دست اندرکاران ورزش از جمله عواملی است که نقش
تعیین کننده در موفقیت و یا عدم موفقیت ورزش کشور دارد. دیگران برای
شناخت، دستکاری و کنترل این عوامل همواره تلاش و تحقیق می کنند و ما هم
در صورتی در کورس این رقابتهای باقی خواهیم ماند که خود را به آن تجهیز کنیم.

ضرورتها، اهداف و سئوالات عمده

تحقیق حاضر اولین مطالعه جامعه شناختی میدانی در حوزه ورزش ایران است. طبیعی است که
مانند هر تحقیق پیشقدم دیگری، بنیادی ترین مباحث مربوط به جامعه شناسی ورزش را مورد توجه
قرار دهد. مطالعات مربوط به قشر بندی اجتماعی ورزشکاران از ضروریترین بررسیهایی است که
باید برای شناخت ویژگیهای فردی، اجتماعی و اقتصادی آن و ارتباطش با سایر متغیرهای اجتماعی
در ابتدای پژوهشهای جامعه شناختی مربوط به ورزش انجام شود. چنین کاری در اغلب کشورهای
جهان انجام شده است و براساس آن تجمع اقشار خاص از مردم در حوزه رشته ورزشی خاصی،
اعلام و تبیین گردیده است. به عنوان مثال معلوم گشته که قهرمانان رشته بوکس و وزنه برداری عمدتاً
از اقشار پایین، و قهرمانان رشته اسکی و اسکیت متعلق به طبقات بالای جامعه هستند.

بنابراین مطالعه قشر بندی اجتماعی ورزشکاران و مربیان و کسب اطلاع از پیشینه های اجتماعی،
اقتصادی و ویژگیهای مختلف شخصی آنان از مقدمات و لوازم اساسی اغلب مطالعات و بررسیهای
حوزه جامعه شناسی، روانشناسی اجتماعی و روانشناسی ورزش است.

در این مطالعه، هدف اصلی، دستیابی به توصیفی درست و دقیق از وضعیت قشر بندی
ورزشکاران تیمهای ملی و سپس تلاشی مقدماتی برای نشان دادن پیامدهای تعلق به اقشار مختلف
اجتماعی - اقتصادی در زندگی آنان است. همچنین به علت رابطه بسیار نزدیک و مستقیم مربیان با
ورزشکاران و اهمیت نقش مربی در تربیت و موفقیت ورزشکاران، لزوم بررسی و شناخت
ویژگیهای فردی، اجتماعی و اقتصادی مربیان نیز بسیار ضروریست. به همین منظور در این تحقیق به

مطالعه پایگاه اجتماعی - اقتصادی مریان نیز پرداخته می شود.

با توجه به نکات فوق در این تحقیق سعی خواهد شد تا پاسخ مناسبی جهت سئوالات زیر به دست آید:

- ۱- ورزشکاران تیمهای ملی و مربیانشان از چه اقشاری هستند و توزیع آنان در این اقشار چگونه است؟
- ۲- آیا هیچیک از اقشار در پرورش ورزشکاران تفرقی بر اقشار دیگر دارند و آیا اقشار خاصی از جامعه، رشته ورزشی خاصی را در انحصار خود دارند؟
- ۳- چه ارتباطی بین موفقیت ورزشکاران در میادین بین المللی با قشربندی اجتماعی آنان وجود دارد و آیا انگیزه و استعداد ورزشی اقشار مختلف اجتماعی با هم فرق دارد؟
- ۴- آیا رابطه ای بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی مریان و پایداری آنان در سمت مربیگری و موفقیتها و دست آوردهای ورزشی آنها وجود دارد؟
- ۵- آیا تفاوت عمده ای در دسترسی اقشار مختلف به امکانات ورزشی وجود دارد؟
- ۶- آیا فعالیت در ورزش قهرمانی موجب تحرک اجتماعی ورزشکار می شود؟

مروری بر سوابق نظری و تجربی موضوع

از آنجایی که محور اصلی این پژوهش، بررسی قشربندی اجتماعی ورزشکاران و مریان تیمهای ملی است و قشربندی خود به نوعی مبین وجود نابرابریهای ضروری و غیرضروری در جامعه است، لذا طرح موضوع نابرابریهای اجتماعی و تئوریهای مربوطه و ویژگیهای گوناگون آن در جوامع مختلف ضروری می نماید و البته تا جایی که ممکن باشد مساله قشربندی و نابرابری اجتماعی در حوزه فعالیتهای ورزشی نیز مطرح خواهد شد.

پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد بر ابعاد مختلف زندگی آنها از جمله بهداشت روانی و جسمی، انتخاب همسر، دسترسی به تحصیلات و اشتغال و فرصتهای تحرک اجتماعی و جغرافیایی تأثیر قابل توجهی دارد. همچنین پایگاه اجتماعی - اقتصادی، شیوه زندگی افراد: اعم از طرز صحبت کردن، لباس پوشیدن، نوع مسکن، نوع روابط اجتماعی، گروه دوستان و غیره را تعیین می کند. ورزش هم تا حدودی آئینه جامعه است و برخی از نابرابریهای حاکم بر جامعه انسانی را نشان

می‌دهد. نابرابری اجتماعی عامل اصلی در ساختار ورزش و رفتار ورزشی قهرمانان، مسئولین و تماشاگران بوده و از اهمیت ویژه‌ای در جهان ورزش نظیر جامعه برخوردار است.

نابرابری اجتماعی

مثل معروفی است که می‌گوید: «مردم همه با هم برابرند، اما بعضی برابرترند». بعضی نیز گفته‌اند: «مردم همه لفظاً» (در اصل) برابرند و عملاً نابرابر».

مقایسه درآمد یک دلال و یا یک سهام‌دار شرکت با یک استاد دانشگاه، مقایسه یک استاندار، فرماندار و یا شهردار، با یک کشاورز یا کارگر همگی نمونه‌های بارز نابرابریهای اجتماعی است.

البته الگوهای نابرابری اجتماعی در طول تاریخ بشریت بوده و هست. سؤال اصلی این است که نظام اجتماعی چگونه «قدرت»^۱ «ثروت»^۲ و «منزلت»^۳ را تقسیم می‌کند و چرا چنین می‌کند؟

واقعیت این است که با وجودی که همه انسانها به لحاظی، برابر خلق شده‌اند، اما نوعاً در وضعیتهای نابرابر زندگی می‌کنند. بعضیها قدرتمندترند، عده‌ای از مال و ثروت بیشتری برخوردارند، بعضیها کارهایی می‌کنند که دیگران نمی‌توانند، افرادی هستند که می‌توانند آن‌طور که

دلشان می‌خواهد باشند و در عوض افرادی که نه تنها نمی‌توانند، بلکه آن‌طور که دیگران می‌خواهند هستند.

جامعه‌شناسان اصطلاح «قشربندی اجتماعی»^۴ را برای سازمان‌بندی نابرابری در جامعه به کار می‌گیرند.

نابرابریهای اجتماعی اصولاً بر مبنای تفاوت‌گذاری (تفکیک) اجتماعی^۵ بنا شده است. تفکیک تمایزی است که همه جوامع، همه‌جا، بین اعضای خود انجام می‌دهند. این تفکیک براساس

خصوصیاتی است که غالباً هم اکتسابی است و هم غیر اکتسابی. نابرابریهای اجتماعی نهادی شده، نیز روی همین تفاوت‌گذاریها در جامعه بنا شده است، که سه نوع عمده آن عبارتند از:

۱ - قشربندی اجتماعی: عبارت است از دسته‌بندی ترتیبی انسانها براساس تمایزات در

1. POWER

2. WEALTH

3. STATUS

4. Social stratification

5. Social differentiation

«وضعیت اقتصادی»^۱، «قدرت»، «پرستیژ»^۲.

۲ - تفاوت‌گذاری جنسی^۳: مترتب است بر تمایزات مربوط به انواع بیولوژیکی. تقریباً در همه جوامع امتیازات اجتماعی - اقتصادی به‌طور نابرابری بین زنان و مردان تقسیم شده است.

۳ - تفاوت‌گذاری قومی - نژادی^۴: «قومیت»^۵، عبارت است از خصوصیات ملی - مذهبی و گروهی، که در یک جامعه خاص مهم تلقی می‌شود. «نژاد»^۶، مفهوم مشابهی است که براساس خصوصیات ارثی (بیولوژیکی) که از لحاظ اجتماعی مهم باشد، استوار است.

روشن است که عناصر قشربندی، تفکیک جنسی و تفکیک قومی - نژادی به‌هم مربوط و متصلند.

تفکیک (تفاوت‌گذاری) اجتماعی و تقسیم‌کار اجتماعی

قشربندی، تفاوت‌گذاری جنسی و قومی - نژادی همه به «تقسیم‌کار»^۷ مربوطند. در یک جامعه پیچیده امروزی، نقشها در سیستم تقسیم‌کار، کاملاً تخصصی شده‌اند.

در کل در این سیستم هر کس نقشی را ایفا می‌کند، اما این نکته که این نقش چه نقشی است و کی و چطور ایفا می‌شود، تا حدودی توسط قشربندی، تفکیک جنسی و قومی - نژادی تعیین می‌شود. به‌همین دلیل و از همین تاریخ، پارتی بازی، رشوه‌خواری و سفارش و توصیه شروع می‌گردد.

هر کس در جامعه براساس خصوصیات جنسی، قومی - نژادی و قشری خود نقشهایی دارد و این نقش(های) او در سازمان تقسیم‌کار اجتماعی، در میزان قدرت، پرستیژ و موقعیت اقتصادی او در جامعه بسیار مؤثر است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

انواع نظامهای قشربندی

انواع عمده نظامهای قشربندی اجتماعی عبارتند از: ۱ - نظام کاستی^۸ - ۲ - نظام مبلکی^۹ - ۳ - نظام

1. Economic Position

2. Prestige

3. Sexual Differentiation

4. Ethnic differentiation

5. Ethnicity

6. Race

7. Division of labor

8. Caste System

9. Estate System

طبقاتی^۱.

سه نظام قشربندی فوق را می توان به سه طریق از یکدیگر متمایز نمود:

- ۱ - به وسیله ابعاد اقتصادی، قدرتی و پرستیژی.
- ۲ - به وسیله تعیین «تحرک اجتماعی»^۲ و امکان پذیر بودن آن در داخل نظام یعنی آیا نظام باز است یا بسته.
- ۳ - حد و میزانی که جایگاههای^۳ هر نظام از طریق «اكتسابی»^۴ یا از طریق «غیر اکتسابی»^۵ پر می شود.

نظام کاستی

نظام کاستی (طبقه منفصل) جایی برقرار است که انتساب «مهتری»^۶ و «کھتری»^۷ به شخص یا گروه، به صورت دائمی و موروثی انجام می گیرد.

این «مهتری» و «کھتری» از طریق دسته بندی مشاغل (یعنی به صورت تعیین نامطلوبترین مشاغل برای پایین ترین کاستها) اعمال می شود.

نظام کاستی اصولاً نظامی «بسته» است و جایگاهها منحصراً براساس «انتساب» و «اعطاء»^۸ است و هیچ راهی وجود نداشته که فرد بتواند به جایگاهی بالاتر از جایگاه مادرزادی خود برسد. ازدواج بین کاستهای مختلف معمولاً ممنوع بوده است.

نظام ملکی

در نظام ملکی، مقام و موقعیت اجتماعی، از بدو تولد و به وسیله ارتباط متقابل با «زمین» و به وسیله سهم خانواده در نیروی نظامی معین می شد. سه گروه عمده نظام ملکی عبارتند بودند از:

1. Class System
3. Positions
5. Ascription
7. Inferiority

2. Social mobility
4. Achievement
6. Superiority
8. Ascription

۱- اشراف^۱

۲- روحانیون^۲

۳- دهقانان^۳

اشراف از زمین‌های تحت کنترل خود استفاده زیاد می‌بردند، اما منزلت و مقام آنها به وسیله «قدرت» و نه «اقتصاد» معین می‌شد.

مرتب‌دهقانی از همه مراتب (در جایگاه اقتصادی، اجتماعی و تقسیم قدرت) پایین‌تر بود. این نظام نظامی نسبتاً «بسته» بود. یعنی هنجارها، اجازه تحرک بسیار کمی را از یک گروه به گروه دیگر می‌داد.

برخلاف نظام کاستی که در آن اصل بر عدم تماس بین افراد از طبقات بالا و پایین بود، در این نظام تماس‌های دائمی بین رعیت و ارباب وجود داشته و رعیت بنده مخصوص و زرخیز ارباب محسوب می‌شده است.

نظام طبقاتی

طبقه عبارت است از دسته‌ای از افراد که وضعیت اقتصادی مشابهی دارند. در این نظام، محور اصلی قشربندی «اقتصاد» است و سایر ابعاد یعنی پرستیژ و قدرت از «اقتصاد» ناشی می‌شود. نظام طبقاتی قاعدتاً نظامی باز است یعنی تحرک اجتماعی فرد از گروهی به گروه دیگر ممنوع نیست. از نظر تئوریک این نظام کلاً متکی بر «کسب»^۴ جایگاه‌های اجتماعی است. به بیان دیگر غالباً جایگاه‌های اجتماعی فرد در جامعه اکتسابی است. اما در عمل تفاوت‌گذارهای قومی - نژادی و جنسی و... توانایی شخص را در «اکتساب» جایگاه‌های اجتماعی از طریق مساعی و زحمات شخص محدود می‌کند.

نظریه‌های مختلف مربوط به قشربندی اجتماعی

احتمالاً قشربندی اجتماعی همزاد آدم است. نابرابری اجتماعی زمانی شروع شد که اولین آدم برای

1. Nobles

2. Clergy

3. Peasants

4. achievement

به کرسی نشاندن حرف و خواست خود، با سنگ و چوب و چماق به جان دیگری افتاد و او را تسلیم خویش ساخت. پس نابرابری همزاد به کارگیری چوب و چماق و شلاق (زور) وسیله انسانی علیه انسان دیگر نیز هست.

تا مدت‌های مدید (به استثنای مقاطع کوتاهی به هنگام حیات انبیاء الهی) (علی نبینا و آله و علیهم السلام) نظریه غالب و مسلط در تاریخ حیات بشر این بوده که نابرابری بین مردم امری طبیعی و یا تقدیری الهی و آسمانی است.

افلاطون و ارسطو، در تدوین و معماری مدینه‌های فاضله خویش، تمام هم خود را مصروف توزیع نابرابر قدرت و امتیازات بین گروه‌های مختلف مردم و توجیه شرعی و عقلی آن کرده‌اند و حتی برای مدائن فاضله خود طبقات «حکام و امیران»، «افراد و شهروندان معمولی» و «برندگان و بندگان» پیش‌بینی کرده‌اند. اما ادیان الهی و کاملترین و آخرین آنها، شرع مقدس اسلام، ندای آن اکرمکم عندالله اتقیکم سر داده‌اند.

تازه در قرن هیجدهم میلادی بود که متفکر اجتماعی، ژان ژاک روسو (۱۷۷۸ - ۱۷۱۲) برای اولین بار در تاریخ اروپا آشکارا مطرح نمود که: نابرابریها و تفاوت‌گذاریهای اجتماعی بیشتر ساخته و پرداخته دست بشر است، نه تقدیر الهی و آسمانی. روسو می‌گوید دو نوع نابرابری وجود دارد:

۱- نابرابری طبیعی یا کالبدی^۱، به وسیله عوامل طبیعی منجمله: سن، وضع سلامتی بدن، قدرت بدنی و کیفیت ذهن و روان، ایجاد می‌شود.

۲- نابرابری حاصل توافق اجتماعی مردم^۲، نابرابری اخلاقی یا سیاسی است، چون به نوعی قرارداد و توافق اجتماعی بستگی دارد.

«ولتر» و «منتسکیو» هم مطالبی را در خصوص نابرابریهای اجتماعی نوشتند و عنوان کردند: این که فردی در جایگاهی برتر و بر سر دیگران قرار گیرد و حکومت کند، صرفاً یک قرارداد و توافق اجتماعی است، نه وحی منزل^۳ و می‌توان آنرا تغییر داد. و بالاخره انقلابهای خونین فرانسه، آمریکا، روسیه، مشروطه ایران، هم تا حدود زیادی نتایج چنین طرز تفکرها و توافق‌های اجتماعی جدید بود.

1. Natural or physical inequality

2. Moral or Political inequality

3. ultimate truths

نظریه کارکردگرایی (فونکسیونالیستی) و قشربندی اجتماعی

تالکوت پارسونز^۱ در سال ۱۹۴۰ میلادی در تحلیل نظریه قشربندی اجتماعی طی نوشتن مقاله‌ای بنیان دیده‌گاه کارکردگرایی را بنا نهاد. او گفت: قشربندی امری است از مقوله «ارزیابی اخلاقی»^۲. او با اشاره به اینکه جوامع، نظام‌های ارزشی دارند، اظهار داشت: جایگاه نسبی هر شخصی در جامعه انعکاس میزان تطابق خصوصیات و مساعی و مکتسبات آن شخص با نظام ارزشی جامعه است. در جامعه‌ای که به قدرت فیزیکی ارزش نهاده می‌شود، اعضاء قوی‌تر و در جوامعی که به مذهب اهمیت خاص می‌دهند، روحانیون و در جامعه‌ای مثل آمریکا که مکتسبات اقتصادی^۳ ارزشمند است افراد ثروتمند، جایگاه‌های برتری دارند. بعد از پارسونز «کینگزلی دیویس»^۴ و «ویلبرت مور»^۵ طی مقاله‌ای در سال ۱۹۴۵ کارکردهای قشربندی را شرح کرده و مدعی شدند: قشربندی «اجتناب‌ناپذیر»^۶ و «عمومی و جهانی»^۷ است. از نقطه نظر کارکردگرایان (فونکسیونالیست‌ها) رئیس یک کمپانی (یا یک تاجر بازاری) از منشی همان شرکت (یا میرزای تجارت‌خانه) درآمد بیشتر، پرستیژ بالاتر و امتیازات بیشتری دارد. چون وجودش برای شرکت مهمتر و ضرورتر، مهارتش بالا و وقت و نیروی زیادتری را صرف می‌کند و اضطرابها و اختلالات عصبی بیشتری را تحمل می‌نماید.

نظریه تضاد و قشربندی اجتماعی

برطبق این نظریه قشربندی از آن‌جا ناشی می‌شود که مردم جهت دست‌یابی به منابع، مواد و امتیازات اجتماعی کمیاب به ستیزه با هم بر می‌خیزند. نابرابری اجتماعی حاصل این ستیزه‌ها و تضادها برای مواد و منابع کمیاب است.

تضادی‌ها می‌گویند: «نیروی اجبار (زور)»^۸، جامعه را به این وضع آرامی که می‌بینید اداره می‌نماید. یک گروه صاحب و کنترل‌کننده ابزار تولید و توزیع هستند، در حالی که گروه دیگر، نیروی کار را تامین می‌کنند. در اکثر جوامع این دو گروه طبقه اصلی را تشکیل می‌دهند: ارباب - رعیت،

1. talcotparrsons

2. moral Evaluation

3. economic achievement

4. Kingsley Davis

5. wilbert moore

6. inevitable

7. universal

8. coercion

فئودال - سرف، بورژوا - پرولتر.

قشر بندی ورزشکاران

در نظام‌های باز، ملاک رتبه‌بندی افراد، دستاوردهای شخصی آنها در زندگی اجتماعی است. موفقیت‌های تحصیلی، دستاوردهای اقتصادی، دستاوردهای هنری یا فرهنگی و یا هرگونه دستاورد دیگری می‌تواند فرد را صرف‌نظر از ویژگی‌های ذاتی و انتسابی به مراتب بالای اجتماعی برساند.

در جوامع جدید ورزش بدون شک یکی از پله‌های تحرک اجتماعی محسوب می‌شود. امروز در بسیاری از کشورهای جهان، ورزش قهرمانی یک شغل مستقل (نقش مستقل) است. بنابراین، مانند هر نقش دیگری در ساختار تمایز یافته این کشورها، وظایف و پاداشها (پایگاه اجتماعی) ویژه خود را دارد. و براساس ارزش و اهمیتی که جامعه به این وظایف و پاداشها می‌دهد، جایگاه خاصی در نظام سلسله مراتب اجتماعی اشغال می‌کند.

در جوامع غربی، قهرمانان ورزشی به نوعی نخبه‌های سمبلیک جامعه محسوب می‌شوند. به این معنا که گروه‌های وسیعی از مردم، الگوهای رفتاری و ارزشی خود را از این قهرمانان می‌گیرند. این واقعیت، نشان‌دهنده ارزش ویژه‌ای است که از طرف جامعه به این نقش اجتماعی داده می‌شود. بنابراین قهرمانی می‌تواند پایگاه اجتماعی بلند مرتبه‌ای محسوب شود و قهرمان کسی است که در رده‌های بالای سلسله مراتب اجتماعی قرار می‌گیرد.

به‌همین دلیل و به‌دلیل باز بودن نظام برای پذیرش هر عضو تازه‌ای که بتواند انتظارات جامعه از این نقش را برآورده کند، نقش موفقیت ورزشی در تحرک اجتماعی انکارناپذیر و ورزش یکی از مهمترین ابزارهای تحرک اجتماعی در دنیای امروز است.

روش‌شناسی تحقیق

روش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات

برای جمع‌آوری اطلاعات لازم جهت پاسخگویی به سئوالات اصلی تحقیق و توصیف، تحلیل و تبیین ارتباط بین متغیرهای مطرح شده از روش «بررسی» استفاده کردیم. در ابتدا و پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای ضروری، پرسشنامه‌ای تهیه و برای چندتن از ورزشکاران تیمهای ملی اجرا

شد. سپس پرسشنامه اصلی بر مبنای تحلیل پرسشنامه مقدماتی تهیه گردید. سپس همکاران طرح با مراجعات مکرر خود به تیمهای ملی و در ملاقاتهای متعدد، سئوالات خود را مطرح نموده و پاسخها را ثبت می کردند.



مکان تحقیق

محل اجرای این پژوهش و جمع آوری داده های ضروری و مربوط به آن، مجموعه های ورزشی انقلاب، آزادی و شهید شیرودی و فدراسیونهای مختلف ورزشی در تهران بوده است.

زمان تحقیق

محدوده زمانی جمع آوری اطلاعات میدانی مورد نیاز حدود ۱۱ ماه، از تیرماه ۱۳۷۲ تا اردیبهشت ماه ۱۳۷۳ بود که به دلیل مشکلات جمع آوری اطلاعات، حدود دو برابر زمان پیش بینی شده به طول انجامید. البته کل زمان مصرف شده از ابتدای عملیات مقدماتی طرح تا پایان تهیه گزارش نهایی آن بیش از ۱۴ ماه بوده است.

جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق ورزشکاران مرد تیمهای ملی بزرگسالان و مربیان آنها در سال ۱۳۷۲ بودند. این تحقیق به صورت همه پرسی یا سرشماری انجام شد و جمعیت نمونه آن برابر کل جامعه آماری است.

در این تحقیق مجموعاً ۱۸۹ ورزشکار در ۱۷ تیم ملی و ۲۶ نفر از مربیان در ۱۲ تیم ملی مورد مصاحبه قرار گرفتند.

روشهای آماری و تجزیه و تحلیل

برای آزمون فرضیه ها، از آزمونهای معنی داری X^2 و T و تحلیل واریانس استفاده گردید. و برای تعیین میزان همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه نیز از ضرایب همبستگی کندال^۱ و سومر^۲

1. kendal

2. Somer

استفاده شد.

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- «اعضاء اقشار مختلف اجتماعی، سهم متناسبی از حضور در تیمهای ملی ندارند.»
- ۲- «در میان تیمهای ملی، رشته‌های خاصی در انحصار یک قشرند.»
- ۳- «تفاوت میزان موفقیت اعضای اقشار مختلف، در هر رشته ورزشی معنی‌دار است.»
- ۴- «تحرك اجتماعی در رشته‌های مختلف به یکسان روی نمی‌دهد.»
- ۵- «تحرك اجتماعی فقط در اقشار پایین‌انگیزه‌ای برای موفقیت ورزشی است.»
- ۶- «اعضاء اقشار پایین‌تر، پتانسیل قهرمانی قویتری نسبت به اعضای اقشار فوقانی خود دارند.»
- ۷- «زمینه تحقق استعداد اقشار بالاتر برای ورزش قهرمانی، مناسبتر است.»
- ۸- «به نظر می‌رسد مربیان تیمهای ملی، حداقل، از اقشار متوسط باشند.»
- ۹- «سالهای سابقه کار مربیان با پایگاه اجتماعی-اقتصادی آنان ارتباط مستقیم دارد.»
- ۱۰- «اهداف مورد انتظار (توقعات) مربیان برای کسب مقامهای ورزشی با دستاوردهای زندگی ورزشی آنان به‌عنوان ورزشکار ارتباط مستقیم دارد.»

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها و شاخص‌سازیهایی مربوطه

قشر اجتماعی

اگر قشربندی اجتماعی عبارت باشد از نظام سلسله‌مراتب افراد و گروههای اجتماعی، هر قشر اجتماعی عبارت است از مجموعه‌ای از افراد یا گروههای اجتماعی که به لحاظ برخورداری تقریباً مساوی از امتیازات و پاداشهای اجتماعی و اقتصادی، در یک لایه افقی (قشر)، هم‌تراز با یکدیگر قرار می‌گیرند.

در حال حاضر متداولترین شیوه سنجش و کمی ساختن مفهوم «قشر» استفاده از شاخص پایگاه اجتماعی-اقتصادی است که شاخصی ترکیبی از نوع شغل، میزان درآمد و سالهای تحصیل است. در این تحقیق قشر اجتماعی هر فرد با توجه به ۵ شاخص زیر سنجیده می‌شود:

۱- تحصیل: در امتیازبندی تحصیلات ۲ عامل: سالهای تحصیل و رشته تحصیلی در نظر گرفته

می شود و براساس آن امتیازاتی داده می شود. (Edu)

۲- شغل: رده بندی مشاغل براساس تحقیقی که در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران طی یک نظرخواهی درباره رتبه بندی حدود ۱۰۰ عنوان شغلی از ۸۰۰ نفر به عمل آمده انجام می شود. (Job)

۳- درآمد: در این مورد میزان درآمد ماهیانه، مبنای محاسبه قرار می گیرد. میزان درآمد به صورت مقیاس فاصله ای و به شکل خام مورد محاسبه قرار می گیرد. (براساس $\frac{\text{تومان در ماه}}{۱۰۰۰}$) و رتبه بندی نمی شود. (Inc)

۴- سکونت: شاخص سکونت براساس زیربنا، مساحت و ارزش زمین و نوع مالکیت ساختمان در منطقه مسکونی مورد محاسبه قرار می گیرد. ارزش معاملاتی با استفاده از سندی که سالانه از طرف وزارت دارایی چاپ و به تفکیک خیابانهای تهران با قیمت زمینهای آن مشخص می شود قابل محاسبه است.

$$\text{شاخص سکونت} = \text{نوع مالکیت} \times \left[\frac{\text{زیربنا}}{۵۰} + \frac{\text{مساحت}}{۵۰} \right] \times \frac{\text{ارزش معاملاتی}}{۱۰۰۰۰}$$

واحد زیربنا و مساحت «مترمربع» و نوع مالکیت به صورت شخصی ۳ امتیاز، استیجاری و رهنی ۲ امتیاز و سازمانی ۱ امتیاز محاسبه می شود. (Rsd)

۵- شهرت: (تصور قبلی نسبت به قهرمانان ملی)

(تصور هر ورزشکار نسبت به وضعیت اجتماعی - اقتصادی دیگران). بدین ترتیب درباره هر فرد ورزشکار به تعداد اعضا تیم قضاوت داریم که نمای آماری این قضاوتها هرچه باشد همان امتیاز وارد شاخص خواهد شد. (Rpt)

اکنون شاخص تعدیل شده SES با توجه به شاخصهای ذکر شده قابل محاسبه است.

$$SES = \left(Edu + Job + \frac{Inc}{4} + \frac{Rsd}{10} + Rpt \right) \times \frac{1}{5}$$

امتیازهای به دست آمده از این شاخص، معرف موقعیت فرد در نظام قشر بندی اجتماعی است.

«میزان موفقیت»

میزان موفقیت مجموعه دستاوردهای زندگی ورزشی فرد و شامل موارد، فاصله سن شروع به تمرین و سن ورود به تیم ملی و تعداد دفعات حضور در تیم ملی و تعداد مدالهای به دست آمده است که براساس فرمول زیر به دست می آید.

$$SUC = [1 + \text{امتیاز مدال}] \times \text{تعداد حضور} \times \left[\frac{100}{\text{سن ورود} - \text{سن شروع}} \right]$$

«تحرك اجتماعى»

حرکت فرد یا گروه از لایه یا قشر، در نظام قشربندی اجتماعی به لایه یا قشر دیگر، تحرك اجتماعی نامیده می شود. میزان تحرك اجتماعی با کم کردن SES فرد ورزشکار از SES پدر وی یا تفریق پایگاه از خاستگاه به دست می آید. بنابراین:

تحرك اجتماعى = پایگاه اجتماعى ورزشکار - خاستگاه اجتماعى او (پایگاه اجتماعى پدر وی)

$$SMOB = SES 2 - SES 1$$

«انگیزه تحرك»

هر عامل بیرونی (اقتصادی - اجتماعی - ...) یا درونی (روانی - ارزشی - ...) که فرد را برای رسیدن به هدفی به حرکت در می آورد، و طی سئوالات پرسشنامه مطرح شده است.

«پتانسیل قهرمانی»

آمادگی روانی برای فعالیت قهرمانی و روحیه مساعد برای رقابت و مبارزه و پیروزی. پتانسیل قهرمانی با دو معرف سنجیده می شود، یکی قدرت انگیزش (Stm) و دیگری نگرش مساعد^۱ برای رقابت قهرمانی.

1. Attitude

«شرایط لازم»

منظور میزان دسترسی به امکانات و مهیا بودن شرایطی است که برای موفقیت ورزشکار در میداين مختلف ورزشی ضروری است. این شرایط عبارتند از: وقت کافی و امکانات لازم برای تمرین که طبق مقیاسی اندازه گیری می شود.

توصیف ویژگیهای نمونه آماری

در این تحقیق تعداد ۱۸۹ نفر اعضای ۱۷ تیم ملی و ۲۶ نفر از مربیان ۱۲ تیم ملی بزرگسالان مرد مورد مطالعه قرار گرفته که ویژگیهای آنها به صورت مجزا مطرح خواهند شد.

میانگین سنی ورزشکاران و مربیان تیمهای ملی

میانگین سنی در جداولی آورده شده است. جوانترین تیم، تیم ملی ژیمناستیک با میانگین سنی ۱۵ سال است. در رده بعدی تیم ملی شنا با میانگین سنی ۱۹ سال می باشد. در مقابل مسن ترین تیم، تیم ملی شمشیربازی است با میانگین سنی ۲۹ سال و در رده بعدی تیم ملی پینگ پنگ قرار دارد. ۶۹ درصد مربیان در گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ سال قرار دارند که می توان گفت دوران مربیگری، بیشتر در سنین میانسالی است و میانگین سنی مربیان ۴۵ سال می باشد.

میزان تحصیلات

میزان تحصیلات حدود ۵۸ درصد مربیان لیسانس و به بالاتر بوده و اکثریت قابل ملاحظه ای از آنها رشته تربیت بدنی را گذرانده اند.

میزان تحصیلات حدود ۶۴ درصد ورزشکاران، دیپلم متوسطه و ۱۹ درصد آنان دارای مدرک لیسانس و بالاتر بوده اند.

محل تولد و محل اقامت

محل تولد ۵۹ درصد ورزشکاران شهرستان و ۶۵ درصد مربیان تهران است. ترکیب تیمها از لحاظ شهرستانی و تهرانی بودن یکسان نبوده، مثلاً تیمهای شنا، واترپلو، تنیس روی میز، تنیس و تا

حدودی فوتبال و شمشیربازی با اکثریت تهرانی بوده است. تیمهای بوکس، جودو، دوچرخه سواری، بسکتبال، وزنه برداری، والیبال، دوومیدانی و کشتی با اکثریت شهرستانی هستند. محل اقامت حدود ۹۲ درصد مریبان تهران و تنها ۷٪ آنان در شهرستان اقامت دارند. اما محل اقامت ورزشکاران به صورت ۵۰ و ۵۰ درصد شهرستان و تهران می باشد.

سن آغاز ورزش قهرمانی

۶۱ درصد ورزشکاران تیمهای ملی سن آغاز ورزش قهرمانی خود را از ۱۵ تا ۲۰ سالگی و ۲۴ درصد نیز آن را بین ۱۰ تا ۱۴ سالگی عنوان نمودند.

نظر خانواده ورزشکار نسبت به ورزش کردن او

حدود نیمی از ورزشکاران (۴۷ درصد) عنوان نموده اند که اولیاء آنان با فعالیت ورزشی ایشان موافقت و آنان را تشویق می کنند. و اگر فراوانی مربوط به خانواده های نسبتاً موافق و مشوق نیز به این گروه اضافه شود می توان ادعا کرد که متجاوز از دو سوم خانواده های ورزشکاران مورد بررسی، با فعالتهای ورزشی آنان موافق و به هر حال مشوق هستند.

تأثیر فعالتهای ورزشی بر تحصیل

بیش از نیمی از ورزشکاران (۵۱/۹ درصد) اعلام کرده اند که فعالتهای ورزشی آنان به نوعی مانع پیشرفت تحصیلی شان شده است. و بقیه (۴۸/۱ درصد) نیز اظهار داشته اند که شرکت آنها در ورزشهای قهرمانی مانعی برای ادامه تحصیلشان نبوده و هیچ لطمه ای به آن وارد نساخته است.

تصور قبلی ورزشکاران از زندگی قهرمانان ورزشی

در این بخش از ورزشکاران سئوال شد که قبل از شروع فعالتهای ورزشی چه تصویری از سطح زندگی قهرمانان ورزشی داشته اند آیا تصور مثبت آنها انگیزه ای برای ورود به فعالتهای مربوط به ورزش قهرمانی بوده است؟ در واقع آیا به امید ارتقاء و تحرک اجتماعی - اقتصادی به میدان ورزش

قهرمانی آمده‌اند؟ حدود ۶۶ درصد ورزشکاران تصویری مثبت نسبت به زندگی و وضع رفاهی و درعین حال منزلت اجتماعی قهرمانان ورزشی داشته و همین تصور مثبت انگیزه‌ای قوی در ورزشکاران ایجاد نموده تا به امید و آرزوی جاه و جلال قهرمانی به میدین ورزشی گام نهند.

دسترسی ورزشکاران به امکانات ورزشی و زمینه تحقق قهرمانی آنها

میزان دسترسی ورزشکاران به امکانات موردنیاز رشته خود متفاوت بوده است. حدود ۱۵ درصد ورزشکاران عنوان نموده‌اند که به امکانات ورزشی (لباس، کفش، تغذیه مناسب، وسایل بدنسازی، مربی و زمین ورزشی یا سالن) دسترسی کامل داشته و ۸۵ درصد بقیه عنوان کرده‌اند که نحوی با کمبود امکانات مواجه بوده‌اند.

شاخص «زمینه تحقق قهرمانی» که از مجموع امتیازات هر ورزشکار درمورد «میزان دسترسی» او به امکانات ورزشی موردنیاز و این‌که آیا «وقت کافی» برای انجام تمرینهای ضروری دارد یا نه، نشان می‌دهد که زمینه برای معدودی از ورزشکاران تیمهای ملی - براساس اظهارات خودشان - فراهم است و اکثریت بسیار قابل توجهی از آنان زمینه را برای تحقق استعدادهای قهرمانی خود مناسب نمی‌دانند.

احتمال تغییر رشته ورزشی، امید به آینده و روحیه ورزشکاران

از ورزشکاران سؤال شد با توجه به وضعیت موجود و در صورت بازگشت به گذشته آیا احتمال داشت که رشته ورزشی دیگری را انتخاب کنند؟ حدود ۱۴ درصد عنوان کرده‌اند که «اصلاً ورزش نمی‌کردم» و حدود ۴۲ درصد انتخاب رشته دیگر را بیان کردند و حدود ۴۳ درصد هم رشته‌ای را که هم‌اکنون در آن فعالیت دارند نام بردند.

همچنین ورزشکاران درمورد آینده فعالیت ورزشی خود و امیدهایی که به پیروزی در سطوح مختلف دارند اظهار نظر کرده‌اند. حدود ۲۸ درصد آنها امید به کسب موفقیت در میدین جهانی، ۴۷ درصد در میدین آسیایی و بقیه یا امیدی ندارند و یا خود را برای مربیگری در آینده آماده می‌سازند.

از سوی دیگر پاسخهای ورزشکاران به سئوالاتی که برای سنجش روحیه آنها مطرح شده بود،

نشان از روحیه قوی اکثریت عظیمی از آنها داشت.

پتانسیل قهرمانی و میزان واقعی موفقیت ورزشکاران

پتانسیل قهرمانی را طیفی مرکب از متغیرهای «روحیه» و «انگیزه» تشکیل می‌دهد که هر یک براساس شاخصهای سه‌گانه تعریف و تنظیم شده است. حدود ۱۹ درصد ورزشکاران دارای پتانسیل قوی قهرمانی و ۶۰ درصد آنها دارای پتانسیل قهرمانی متوسط بوده‌اند. میزان موفقیت ورزشکاران نیز از مجموع امتیازات آنان در مورد متغیرهای «سن شروع ورزش»، «سن ورود به تیم ملی»، «دفعات حضور در تیم ملی» و «مدالهای کسب شده» محاسبه گشت. حدود ۴۳ درصد آنها موفقیتشان در حد پایین بوده و این می‌رساند که به خلاف روحیه، پتانسیل قهرمانی، پیش‌بینی برای آینده فعالیت ورزشی، احتمال تغییر رشته ورزشی یا تصور از زندگی قهرمانان، از موفقیت کمی برخوردار بوده‌اند و این خودگویی‌های واقعیات موجود ورزش قهرمانی است.

سوابق قهرمانی و مربیگری و دوره‌های آموزشی مربیان تیمهای ملی

داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که اکثریت قابل توجهی از مربیان تیمهای ملی (۶۵/۴ درصد) در دوران فعالیت ورزشی خود به مقام قهرمانی کشوری دست یافته‌اند. درصد کسانی که دارای مقام قهرمانی جهانی (۲۳/۱ درصد) و آسیایی (۱۱/۵ درصد) بوده‌اند نیز قابل ملاحظه است.

سوابق مربیگری مربیان نیز خوب بوده حدود ۶۱ درصد آنها دارای سوابق مربیگری ۶ سال یا بیشتر هستند و حدود ۳۸ درصد آنها نیز دارای سوابق مربیگری ۵ سال و یا کمتر می‌باشند. اکثریت قابل توجهی از مربیان در طول دوران مربیگری خود آموزش چندانی ندیده‌اند و با یافته‌های جدید علم ورزش و مربیگری آشنا نیستند. شاهد این ادعا این است که حدود ۵۰ درصد مربیان مطلقاً دوره‌های آموزشی کوتاه مدت یا میان مدت مربیگری در خارج از کشور را ندیده‌اند و ۱۱/۵ درصد آنها نیز حتی دوره‌های داخلی آموزشی را نگذرانیده‌اند.

قشربندی ورزشکاران و مربیان تیم ملی

قشربندی اجتماعی مربیان

پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد را نشان‌دهنده قشربندی مربوط به آنان دانسته و عواملی چون تحصیلات، شغل، محل اقامت، شهرت و درآمد را به‌عنوان شاخصهای عمده اندازه‌گیری آن برگزیده‌ایم. بر طیف تشکیل شده از مجموع امتیازات افراد، حداقل امتیاز ۲۴ و حداکثر آن ۲۵۰ بوده که به سه قسمت پایگاه اجتماعی - اقتصادی «پایین»، «متوسط» و «بالا» تقسیم شده است. خاستگاه اجتماعی - اقتصادی آنها (پایگاه اجتماعی - اقتصادی پدران آنها) نیز بدین ترتیب معین گردیده است.

از ارقام به‌دست آمده چنین بر می‌آید که نیمی از مربیان تیمهای ملی مورد مطالعه از اقشار بالای جامعه، حدود ۲۳ درصد از اقشار متوسط و حدود ۲۶ درصد نیز از اقشار پایین جامعه هستند. عدم توزیع متناسب مربیان در طیف اقشار اجتماعی و سنگینی کفه مربیگری تیمهای ملی به سمت اقشار بالای جامعه به‌وضوح مشاهده می‌شود.

خاستگاه اجتماعی - اقتصادی مربیان تیمهای ملی (پایگاه اجتماعی - اقتصادی پدران آنها) از توزیع متناسبتر و نسبتاً متعادلتري برخوردار است (اقشار بالا حدود ۲۳ درصد، اقشار متوسط حدود ۴۲ درصد و اقشار پایین حدود ۳۴ درصد).

مقایسه ارقام مربوط به پایگاه و خاستگاه اجتماعی - اقتصادی مربیان تیمهای ملی نشان می‌دهد که آنها به‌طرز محسوسی تحرک اجتماعی داشته‌اند (یعنی مجموعاً از پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین‌تر به پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتری ارتقاء یافته‌اند).

قشربندی اجتماعی ورزشکاران

قبل از آنکه به اندازه‌گیری پایگاه و خاستگاه اجتماعی - اقتصادی اعضای نمونه مورد مطالعه بپردازیم از ورزشکاران خواسته‌ایم تصور خود را درباره وضعیت اجتماعی - اقتصادی افراد هم تیم خود بیان کنند. حدود ۱۳ درصد آنان تصویری پایین، حدود ۵۹ درصد تصویری متوسط، حدود ۲۱ درصد تصویری بالا و حدود ۵ درصد نیز تصویری خیلی بالا نسبت به وضعیت افراد هم تیم خود داشته‌اند.

اما خارج از بحث تصور و فرض، پایگاه اجتماعی - اقتصادی واقعی ورزشکاران را نیز براساس شاخصهای تنظیم شده محاسبه نموده ایم. سهم هر یک از پایگاههای خیلی بالا، بالا، متوسط، پایین و خیلی پایین هر کدام حدود ۲۰ درصد بود که سهم نسبتاً برابری از همه را نشان می دهد. این حالت با آنچه که عرفاً و به صورت نرمال وجود دارد یعنی درصد کمی در گروههای بالا و پایین قشر بندی و درصد زیادتری در گروه متوسط، کاملاً مغایرت دارد که معنی آن تایید تصور قبلی ورزشکاران از وضعیت افراد هم تیم خود نیز هست.

این درصد نشانگر این است که اقشار متوسط به بالا سهم نامتناسب و بیشتری برای حضور در تیمهای ملی داشته اند. اگر قرار بود که هر گروه متناسب با وضعیت جمعیتی نرمال خود در تیمهای ملی عضویت داشته باشد، باید سهم حضور اقشار پایین تر و متوسط بیشتر از اقشار بالای جامعه باشد که نتیجه کاملاً برعکس است. بنابراین چنین نتیجه می گیریم که اقلیت بالای جامعه به نسبت جمعیت خود در حد بسیار بیشتری از اکثریت پایین و متوسط جامعه، ورزشکار وارد تیمهای ملی کرده است. این واقعیت می تواند بیانگر عدم توزیع متناسب امکانات و فرصتهای ورزشی مملکت در بین اقشار مختلف جامعه باشد.

البته فرض کرده ایم که شاید خاستگاه اجتماعی - اقتصادی افراد (پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانوادگی آنها) در امر شروع فعالیتهای ورزشی و ورود به تیمهای ملی موثرتر از پایگاه اجتماعی - اقتصادی خود آنها باشد. به همین جهت پایگاه اجتماعی - اقتصادی پدران آنها را نیز اندازه گیری کرده ایم. که نتایج مشابهی با پایگاه اجتماعی - اقتصادی خود آنها را نشان داده، بنابراین چنین نتیجه گرفته می شود همچنان که در تصور ورزشکاران بوده و وضعیت واقعی قشر بندی اجتماعی آنان نشان داد، اقشار پایین تر اجتماعی سهم کمتری از حضور در تیمهای ملی دارند.

تفکیک گروهی تیمهای ملی و قشر بندی آنها

از مطالعه انفرادی تیمها روند منظمی مشاهده می شود که در آن برخی تیمها مثل شمشیربازی، والیبال، واترپولو، شتا و تنیس، ۲۵ درصد و یا بیشتر اعضایشان مربوط به اقشار بالای جامعه اند. بعضی دیگر مثل بوکس، کشتی آزاد، جودو، دوومیدانی و وزنه برداری هر یک حداقل ۳۰ درصد از اعضایشان از قشر «خیلی پایین» اجتماعی می باشند. سومین گروه شامل تیمهای بدمیتون،

بسکتبال، فوتبال، دوچرخه سواری، ژیمناستیک، کشتی فرنگی و پینگ پنگ می باشد که اقلأ ۶۰ درصد اعضایشان متعلق به اقشار متوسط و پایین اجتماعی هستند.

دسته اول تیمهای ملی را قطب بالا، دسته دوم را قطب پایین و دسته سوم را قطب متوسط نامگذاری کرده ایم و اطلاعات مربوط به پایگاه و خاستگاه هر یک از قطبها را در جداول جداگانه مورد بررسی قرار داده ایم.

تجزیه و تحلیل داده ها

سهم حضور اقشار مختلف در تیمهای ملی

طبق فرضیه اول «اقشار اجتماعی، سهم یکسانی از نظر حضور در تیمهای ملی ندارند.» اساس این فرضیه بر این واقعیت مبتنی است که چون رسیدن به قله موفقیت ورزشی در سطح ملی که همان حضور در تیم ملی است، نیازمند دسترسی به حداقل امکانات لازم برای تمرین در رشته های خاصی است و اقشار مختلف نیز اصولاً بر مبنای میزان نامساوی دسترسی به چنین امکاناتی (و سایر امکانات) تعریف و طبقه بندی می شوند، بنابراین تصور می رود که اقشار مختلف از نظر میزان حضور در تیمهای ملی فرق داشته باشند. در حقیقت می توان فرضیه اول را به صورتی دقیق تر اینگونه بیان کرد: «اقشار بالاتر، سهم حضور بیشتری در تیمهای ملی دارند.» برای تعیین دقیق سهم هر قشر در تیمهای ملی عدد نفرات نمی تواند معرف مناسبی باشد باید عدد خام به درصد تبدیل گردد. از آنجا که تعداد نفرات هر قشر در کل جامعه (ایران) نامعین و ناشناخته است نمی توان اعداد خام به دست آمده را به درصد دقیق و درست تبدیل کرد. اما می توان به صورت تخمین خام گفت که مسلماً اقشار پایین و متوسط اکثریت و اقشار بالا اقلیت جامعه را تشکیل می دهند. در صورتی که فرصتها و امکانات موفقیت ورزشی به طور مساوی در اختیار همه اقشار قرار می گرفت، انتظار می رفت که مطابق الگوی جامعه اکثریت قهرمانان از قشر پایین و متوسط و اقلیت آنان از قشرهای بالا باشند.

با مراجعه به اطلاعات بدست آمده در بخش توصیف آماری می بینیم که سهم اقشار مختلف از نظر عدد مطلق تقریباً با هم مساوی است. این بدان معناست که سهم اقشار بالا، به همان نسبت که تعدادشان در جامعه کل کمتر از اقشار متوسط و پایین است، بیشتر از این اقشار می باشد. بنابراین

توزیع فرصتها و امکانات ورزشی به گونه‌ای است که قشرهای فوقانی جامعه با سهولت بیشتری (چه به صورت دسترسی مستقیم و چه به صورت دسترسی غیرمستقیم) به آنها دست می‌یابند. در هر صورت می‌بینیم که فرضیه اول مبنی بر متناسب نبودن سهمیه اقشار در تیمهای ملی تأیید شده و این نابرابری سهمیه به نفع اقشار بالاتر است.

ورزش و تفاوت‌های فرهنگی قشرهای مختلف

در اینجا با تکیه بر داده‌های تحقیق می‌خواهیم ببینیم تا چه حد رفتارها و فعالیتهای ورزشی قشرهای مختلف با هم فرق دارند. به عبارت دیگر هر قشر بیشتر به چه ورزشهایی تمایل دارد. پرداختن به بعضی رشته‌ها، از نظر فرهنگی شاخصی برای تعلق قشری محسوب می‌شود. مثلاً حتی در ذهن عامه مردم اسکی یا تنیس خاص اقشار بالاست. بنابراین فرضیه دوم «در میان تیمهای ملی، بعضی رشته‌ها در انحصار برخی اقشارند.» بیانگر همین تفاوت بین رشته‌های ورزشی است. برای بررسی این فرضیه ابتدا باید ببینیم وضعیت توزیع اقشار مختلف در تیمهای ملی چگونه است؟ با توجه به جدول شماره ۲۷ می‌توان دید که براساس نمونه مورد مطالعه این پژوهش، رشته‌های بوکس، جودو، دوومیدانی، کشتی آزاد، وزنه‌برداری مطلقاً به اقشار پایین اختصاص دارند.

در رشته‌های فوق به ترتیب ۱۰۰، ۱۰۰، ۷۹، ۷۹ و ۷۷ درصد از اعضاء این تیمها متعلق به اقشار «خیلی پایین» و یا «پایین» هستند. از طرفی دیگر در رشته‌هایی مثل شمشیربازی (۵۰ درصد از قشر خیلی بالا)، تنیس (۲۵ درصد خیلی بالا)، واترپلو (۳۳ درصد بالا و خیلی بالا)، شنا (۲۸/۸ درصد بالا و خیلی بالا) و والیبال (۵۰ درصد بالا) حضور اقشار فوقانی جامعه وزن بالاتری دارد. البته عضویت در بقیه رشته‌ها، توزیع متعادلت‌ری دارد و به سمت قشر متوسط گرایش می‌یابد.

با نتایج به دست آمده از خاستگاه اجتماعی - اقتصادی ورزشکاران (وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانوادگی آنان) و نتایج به دست آمده از پایگاه اجتماعی - اقتصادی آنان می‌توانیم بگویم که رشته‌هایی مثل شنا، واترپلو، تنیس و شمشیربازی به صورتی بارزتر از بقیه رشته‌ها، عرصه حضور اقشار بالای جامعه است. و رشته‌هایی نظیر بوکس، جودو، دو و میدانی، کشتی و وزنه‌برداری نیز، روشن‌تر از بقیه رشته‌ها، محل حضور اقشار پایین‌تر جامعه است. در بقیه رشته‌ها

نیز تفکیک و تمایز روشنی دیده نمی‌شود.

در رشته‌های شنا و واترپلو دسترسی اقشار پایین به امکانات (استخر) و در رشته‌های تنیس و شمشیربازی، گرانی وسایل و قراردادن سالنهای آنها در شمال شهر، دستیابی اقشار پایین را به آنها مشکل می‌سازد و عدم دسترسی به آنها از نوع مستقیم آن است.

از طرف دیگر باشگاههای مربوط به وزنه‌برداری، جودو، کشتی و بوکس در جنوب شهر رواج و رونق بیشتری دارد. این ورزشها به امکانات کمتر نیاز دارند و وسایل آن نیز چندان گران نیست و بیشتر متکی به تمرینات شخصی و قدرت بدنی فرد است.

در اینجا با سه گونه رشته ورزشی روبرو هستیم: قطب بالا، قطب پایین و قطب متوسط. بنابراین فرضیه تفاوت حضور قشرها در رشته‌های مختلف تا حدود زیادی در مورد برخی از رشته‌ها تایید می‌شود.

تفاوت موفقیت ورزشی بین قشرهای مختلف

فرض تعلق هر رشته به یک قشر خاص تا حدودی و در مورد بعضی از رشته‌ها می‌تواند درست باشد. اما آیا قشرهای خاصی می‌توانند در رشته‌های خاصی موفقتر از قشرهای دیگر باشند. به عنوان مثال آیا فردی از قشرهای بالا در تیم ملی وزنه‌برداری که از رشته‌های خاص قشر پایین است می‌تواند موفقتر باشد. فرضیه سوم این مسئله را مورد توجه قرار می‌دهد.

«میزان موفقیت اقشار مختلف، در هر رشته، با یکدیگر متفاوت است.»

رابطه بین میزان موفقیت ورزشکاران تیمهای ملی با پایگاه و خاستگاه اجتماعی - اقتصادی آنان مورد بررسی قرار گرفته است و هیچ رابطه معناداری بین دو متغیر به دست نیامده است. به بیان دیگر فرضیه وجود تفاوت بین میزان موفقیت اقشار مختلف در هر رشته ورزشی ثابت نشده است و می‌توانیم بگوییم که فرضیه سوم تایید نمی‌شود و موفقیت ورزشی ورزشکاران ربطی به پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنها ندارد.

ورزش و تحرک اجتماعی

تحرک اجتماعی عبارت است از انتقال فرد از یک قشر اجتماعی به قشر اجتماعی بالاتر و یا پایین‌تر.

میزان تحرک اجتماعی هر فرد برابر است با حاصل تفریق شاخص پایگاه اجتماعی - اقتصادی پدر از پایگاه اجتماعی - اقتصادی فرد به عبارت دیگر:

تحرک اجتماعی = پایگاه فرد - خاستگاه فرد

حاصل منفی، نشان دهنده افت یا تحرک رو به پایین و حاصل مثبت نشان دهنده تحرک رو به بالاست. بررسی اطلاعات به دست آمده از تحقیق معلوم می دارد که حدود ۳۲ درصد ورزشکاران در پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین تری نسبت به پدر خود قرار دارند. از این رو این افراد دارای تحرک منفی یا اصطلاحاً افت می باشند. حدود ۲۳ درصد آنان دارای تحرک پایین بوده که تحرک کمی را نشان داده و یک پله از پدران خود بالاتر رفته اند. همچنین تحقیق نشان می دهد که حدود ۲۱ درصد بدون تحرک و ۱۰ درصد دارای تحرک متوسط و حدود ۸ درصد دارای تحرک بالا می باشند.

سوالی که مطرح می شود این است که ورزش قهرمانی تا چه حد باعث تحرک اجتماعی ورزشکاران می گردد، و در چه رشته ورزشهایی این تحرک بیشتر به وقوع می پیوندد؟ و همچنین تصور و انتظار ورزشکاران از فعالیت ورزشی برای رسیدن به تحرک اجتماعی، تا چه حد است و این تصور چه ارتباطی با موفقیتها و فعالیتهای آنان دارد.

رشته هایی مثل شنا، واترپلو و تنیس به علت بالای بودن خاستگاه اجتماعی - اقتصادی و ژیمناستیک به دلیل کم سن و سال بودن اکثر اعضای آن، داده های مربوطه را بی معنی می کند. اما از طرف دیگر دو دسته تیم به خوبی قابل مشاهده اند.

الف - تیمهای بدون تحرک عبارتند از: کشتی آزاد و فرنگی، پینگ پنگ، دوومیدانی، بدمینتون، وزنه برداری، دوچرخه سواری، جودو و بوکس.

ب - تیمهای دارای تحرک عبارتند از: فوتبال، شمشیربازی، بسکتبال و والیبال، بنابراین فرضیه چهارم تایید شده و مبین این مطلب است که «تحرک اجتماعی در رشته های مختلف به یکسان روی نمی دهد».

حال سوال این است که امید به ارتقاء زندگی مادی (تحرک اجتماعی) تا چه حد انگیزه فعالیت های ورزشی ورزشکاران بوده است. به عبارت دیگر بنا به فرضیه پنجم: «تحرک اجتماعی

برای اقشار پایین بیش از اقشار بالا، انگیزه‌ای برای فعالیت ورزشی است». یافته‌های تحقیق بیان می‌دارد که رابطه بین دو متغیر خاستگاه اجتماعی - اقتصادی ورزشکاران و انگیزه تحرک معنا دار است. یعنی انگیزه تحرک، تابعی است از خاستگاه اقتصادی - اجتماعی ورزشکاران. ولی رابطه بین دو متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و انگیزه تحرک معنا دار نبوده بنابراین انگیزه تحرک تابعی از خاستگاه و نه پایگاه اقتصادی - اجتماعی است.

این نتیجه‌ای طبیعی و منطقی است که در ابتدای فعالیت ورزشی، فرد تابع وضعیت خانواده پدری است و این وضعیت است که بر انگیزه‌ها و ایستارهای او تأثیر می‌گذارد و نه وضعیت آینده خود وی که در حقیقت شاید تابعی از انگیزه‌ها و ایستارهای او باشد. بنابراین می‌توانیم بگوییم که اگرچه رابطه قشر خاستگاه و انگیزه تحرک چندان نیرومند نیست، اما به هر حال در اقشار پایین تحرک اجتماعی به‌طور معنا داری بیش از اقشار بالاتر، انگیزه‌ای برای فعالیت و موفقیت ورزشی است.

قشر بندی اجتماعی و پتانسیل ورزش قهرمانی

موضوع اصلی مورد بررسی در این مبحث این است که آیا بین قشرهای مختلف فرقی از نظر مساعدتر و مناسبتر بودن روحیه و توان بالقوه فعالیت ورزشی وجود دارد؟

فرضیه شماره ۶ بیان می‌دارد که «اقشار پایین‌تر، پتانسیل قهرمانی بالاتری نسبت به اقشار فوقانی خود دارند». اگر این فرضیه تایید شود که انگیزه اقشار پایین‌تر برای رسیدن به تحرک اجتماعی بیش از اقشار بالاست، این ظن تقویت می‌شود که اقشار پایین به لحاظ آمادگی روانی، قویتر از اقشار بالاتر هستند.

نتایج بیان می‌دارد که تیمهای کشتی فرنگی و آزاد و ژیمناستیک بالاترین میانگین پتانسیل قهرمانی را به دست آورده‌اند. و در تیمهای بوکس، جودو، شمشیربازی، دوچرخه‌سواری، وزنه برداری و بدمینتون نیز پتانسیل قهرمانی نسبتاً بالاست. اما در تیمهای شنا، واترپلو، پینگ‌پنگ، بسکتبال و فوتبال این پتانسیل پایین‌تر است.

بر اساس یافته‌های تحقیق هیچ‌گونه رابطه معنا داری بین متغیرهای پتانسیل قهرمانی و خاستگاه

یا پایگاه اقتصادی - اجتماعی ورزشکاران تیمهای ملی وجود ندارد. براساس یافته‌ها می‌توان گفت که پتانسیل قهرمانی ورزشکاران تیمهای ملی به‌طور کلی بالاست. اندازه این پتانسیل نیز ربطی به پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد ندارد و همان‌طور که قبلاً دیدیم میزان موفقیت ورزشکاران نیز ربطی به پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنها نداشت. پس دو باره به این نتیجه می‌رسیم که حتی‌الامکان باید همه رشته‌ها را در دسترس همه اقشار قرارداد تا هیچ استعدادی در این زمینه به هدر نرود.

رابطه بین پایگاه و خاستگاه و روحیه قهرمانی (یکی از معرفهای پتانسیل قهرمانی) و همچنین بین پایگاه و خاستگاه و قدرت‌انگیزه (معرف دیگر پتانسیل قهرمانی)، معنادار نبود. یعنی وضعیت اقتصادی و اجتماعی فرد نه باکل شاخص و نه با تک‌تک معرفهای آن رابطه‌ای ندارد. بنابراین فرضیه ششم یعنی فرض ارتباط بین پتانسیل قهرمانی ورزشکاران تیمهای ملی و قشربندی آنها تایید نمی‌شود.

قشربندی اجتماعی و میزان دسترسی به امکانات ورزشی
در بخش قبل مشاهده شد که استعداد یا آمادگی بالقوه ورزش قهرمانی در بین تمام اقشار حاضر در تیمهای ملی، بالاست. حال این سؤال مطرح می‌شود که تا چه حد زمینه تحقق برای این توان بالقوه بین اقشار یکسان است؟ آیا قشرهای گوناگون به‌طور یکسان امکان به فعل درآوردن استعدادهای خود را دارند؟ فرضیه هفتم به‌منظور بررسی همین سؤال تدوین شده است: «شرایط لازم (زمینه تحقق استعداد) برای ورزش قهرمانی، بیشتر در اختیار اقشار بالای جامعه است».

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در رشته‌های قطب بالا مثل شمشیربازی، تنیس، شنا، واترپلو میزان شاخص تحقق استعداد، بسیار بالاتر از رشته‌های دیگر است. پایین‌ترین امتیازات به رشته‌هایی مثل دوومیدانی، وزنه‌برداری، فوتبال، بوکس، دوچرخه‌سواری، بسکتبال، بدمینتون، کشتی‌فرنگی و آزاد تعلق دارد که یا جزء رشته‌های حد وسط و یا رشته‌های قطبی اقشار پایین هستند.

بنابراین فرضیه هفتم پذیرفته می‌شود و بار دیگر به این نتیجه می‌رسیم که امکانات و فرصتهای ورزشی به مساوات بین اقشار مختلف توزیع نشده است. لذا امکان متجلی شدن استعدادهای

ورزشی برای اقشار مختلف برابر نیست.

قشر بندی اجتماعی مربیان تیمهای ملی

پس از اتمام تجزیه و تحلیل ورزشکاران تیمهای ملی از جهات مختلف به بررسی وضعیت مربیان تیمهای ملی می‌پردازیم.

حدود ۴۲ درصد از مربیان تیمهای ملی تحصیلات عالی دانشگاهی - حتی در رشته تربیت بدنی - ندارند.

در دنیای امروز که ورزش و مربیگری به اموری تخصصی بدل شده است این واقعیت تلخ وجود دارد که حدود نیمی از مربیان ما فاقد تحصیلات عالی هستند و فقط ۳۸ درصد آنان در رشته تربیت بدنی تحصیل کرده‌اند.

باتوجه به تعداد بسیار کم کلاسها و دوره‌هایی که مربیان ما گذرانیده‌اند، از این نظر هم با ضعف قابل توجهی روبرو هستیم. حدود نیمی از مربیان ما، هیچ‌گونه دوره‌ای را در خارج از کشور نگذرانیده‌اند و در داخل کشور نیز دوره‌ای ندیده و یا فقط یک دوره ۱۵ روزه را گذرانیده‌اند. حدود ۱۵ درصد مربیان در خارج از کشور ۲ یا ۳ دوره گذرانده‌اند و حدود ۲۳ درصد آنها نیز در داخل کشور ۳ دوره یا بیشتر دیده‌اند.

همان‌طور که در بخش توصیف آماری ملاحظه شد حدود ۵۰ درصد مربیان مورد بررسی متعلق به قشر بالا هستند. این واقعیت نشانگر درستی اندیشه‌ای است که فرضیه شماره ۸ بیان می‌دارد. طبق این فرضیه، اکثر مربیان می‌بایست حداقل از اقشار متوسط جامعه باشند. بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم که برای ورزشکاران اقشار پایین، رسیدن به سمت مربیگری و ادامه کار مربیگری، به دلیل مسائل و مشکلات اقتصادی که مانع از پرداختن به کار بی‌اجر و مزد مربیگری می‌شود، بسیار دشوارتر از ورزشکاران اقشار بالاتر است.

برای هرچه دقیقتر شدن این نتیجه‌گیری و برای آزمون فرضیه نهم و کنترل فرضیه هشتم رابطه پایگاه اجتماعی - اقتصادی مربیان را با سالهای سابقه (سابقه) مربیگریشان مورد بررسی قرار می‌دهیم. بر طبق فرضیه نهم، سالهای سابقه کار مربیان با پایگاه اجتماعی - اقتصادی آنها ارتباط مستقیم دارد.

بر طبق یافته‌های تحقیق به احتمال بسیار زیاد (۰/۹۹۹) رابطه بین دو متغیر تایید شده است. میزان همبستگی این دو متغیر نیز براساس ضریب ۷ کرامر^۱ برابر ۰/۱۸ است. بنابراین رابطه بین دو متغیر از نوع رابطه مستقیم است یعنی با بالا رفتن پایگاه اقتصادی و اجتماعی، سابقه مربیگری نیز بالا می‌رود. بنابراین فرضیه نهم که بیانگر پایداری بیشتر اقلشار بالا در سمت مربیگری است تایید می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که ورزشکاران اقلشار پایین‌تر، با همه استعدادها و علاقه‌هایی که به ماندن در دنیای ورزش از طریق رسیدن به سمت مربیگری دارند به دلیل عدم توانایی رهایی از مشکلات اقتصادی و صرف وقت زیاد در فدراسیون و سالن تمرین از دنیای ورزش دور می‌مانند. در صورتی که بخواهیم نیرو و استعدادها را در سمتهای مربیگری تیمهای ملی به کار گیریم می‌باید ترتیبی اتخاذ شود که مربیگری شغل ثابت و اول مریان باشد، تا به دور از تمامی دغدغه‌ها و گرفتاریهای موجود، همه انرژی و وقت خود را صرف پرورش استعدادهای کشف شده و جوان کنند.

آخرین فرضیه‌ای که باید مورد آزمایش قرار گیرد، فرضیه دهم این تحقیق است که مدعی است: «اهداف مورد انتظار (توقعات) مریان برای کسب مقامهای ورزشی با دست‌آوردهای زندگی ورزشی آنان به‌عنوان ورزشکار، ارتباط مستقیم دارد.»

در پرسشنامه مریان، از هدف و آرزوی آنان برای دوره فعالیت خود در مربیگری سؤال شده بود. هدف از این سؤال پی بردن به میزان بلند پروازی مریان بود. مسلماً آنهایی که هدف بلند پروازانه‌تری دارند، انگیزه بالاتری برای کار خود دارند.

از طرف دیگر، سوابق خود مریان در رشته‌های ورزشی و موفقیت‌هایی که به دست آورده‌اند، می‌تواند روی میزان این بلند پروازی تأثیر بگذارد به عبارت دیگر، مریانی که روزگاری ورزشکار موفقی بوده‌اند، انتظار بیشتری از تیم خود دارند.

یافته‌های تحقیق با احتمال بسیار زیادی (۰/۹۹۹) رابطه بین دو متغیر را تایید می‌کند. بنابراین بین بلند پروازی مریان و دست‌آوردهای زندگی ورزشی آنان رابطه مستقیمی وجود دارد. ضریب همبستگی به دست آمده براساس ضریب ۷ کرامر برابر ۰/۴۴ است که میزان بسیار بالایی را نشان می‌دهد. بنابراین فرضیه دهم با اطمینان بالایی پذیرفته می‌شود.

1. cramer's V

سخن آخر

اعتقاد ما بر این است که امروز دیگر کمتر ورزشکاری بدون حمایت سازمانهای تامین بودجه، مدیران و برنامه‌ریزان، دانشمندان و محققین ورزشی، مربیان و سرپرستانی که نتایج تحقیقات را در عمل به کار می‌بندند، و حمایت عاطفی و روانی علاقه‌مندان و تماشاگران، به موفقیت چشمگیر و ارزنده‌ای در عرصه رقابتهای بین‌المللی دست خواهد یافت. زیرا دیگر زمانی فرا رسیده است که بدون تدارک تجهیزات لازم برای ساختن چنین سیستمی، ورزش هیچ کشوری شاهد هیچ موفقیتی - جز جرقه زودگذر و تصادفی استعدادهای درخشان - نخواهد بود. ورزش پیشرفته و موفق جهان سالهاست که علاوه بر ویژگیهای فیزیولوژیک ورزشکار، به درستی بر مطالعه مستمر شرایط اجتماعی و روانی ورزشکاران انگشت گذاشته است و برای شناخت و کنترل آن شرایط، برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری، تلاش و تحقیق کرده است. اگر ما هم سودای رقابت با این ورزش پیشرفته را داریم، چاره‌ای جز مطالعه و شناخت دقیق عوامل مؤثر در ورزش و بر ورزشکار نخواهیم داشت.

پژوهش حاضر بخشی از تلاشهای معقول و منطقی کمیته ملی المپیک در جهت وارد شدن به صحنه رقابتهای علمی ورزشی در جهان است. تکفل انجام چنین تحقیقاتی - اگرچه بسیار با تاخیر - به هر حال نشانه امیدوارکننده‌ای از حرکت به سوی استفاده از تجربیات علمی دیگران در جهت اصلاح مسیر ورزش ملی و قهرمانی است. شناخت پایگاه و خاستگاه اجتماعی - اقتصادی ورزشکاران تیمهای ملی نیز یکی از ابتدایی‌ترین و ضروری‌ترین گامهایی است که باید در همین راستا بسیار پیش‌تر از اینها برداشته می‌شد. *مطالعات ورزشی*

امید است تحقیقاتی از این‌گونه بتواند پایه‌های ورزش علمی را در کشور بنا نهاده و در ارتقاء سطح کیفی ورزش و به‌خصوص ورزش قهرمانی کمک نماید.